



عکسی از مراسم بزرگداشت قربانیان قتل های زنجیره ای

استبدادی حاکم در روزهای پس از وقوع قتل های زنجیره ای بهترین سند افشاکننده مرتجعانی است که درس نگرفته از تاریخ این مرز و بومر به جنایات خود ادامه می دهند.

ادامه در صفحه ۲

گردهم آیی مهم سیاسی در دانشگاه صنعتی امیر کبیر

در حالی که هنوز وضعیت سیاسی ایران، به دلیل نارضایتی فزاینده و به بهانه حکم اعدام آغاچری، روزهای پرتلاطمی را سپری می کند و در حالی که مرتجعان حاکم باز هم با ادامه شیوه های قبلی، بر سیاست های سرکوب گرانه خویش تاکید می کنند و اظهارات گوناگون در چند روز اخیر نیز حاکی از این امر است، پویایی جنبش مردمی مستقل از اراده هر شخص و گروه سیاسی، نمودهای مشخص خویش را در عرصه های متفاوت نشان می دهد. از جمله این تحولات باید به برنامه ای اشاره کرد که توسط انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر بر پا گردیده بود و عمده شرکت کنندگان و مدعوین آن را شخصیت های سیاسی شناخته شده و مطرح تشکیل می داد. گرچه این برنامه هر ساله به مناسبت ماه رمضان در این دانشگاه برگزار می گردد، اما برنامه امسال با توجه به شرایط متفاوت و حساس میهنمان و حضور اصلاح طلبان حکومتی در کنار نیروهای سیاسی غیر حکومتی، فضای متفاوتی را به وجود آورده بود. گزارش سایت «ملی- مذهبی» ها از این برنامه بیانگر تغییر و تحولات جدی در عرصه نیروهای سیاسی و نضج گیری برداشت های نو برای پیشبرد جنبش مردمی است. بنابراین همین گزارش در ابتدای برنامه، یکی از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر ضمن خیر مقدم، با یادی از علی افشاری به «حکم ننگین» درباره آغاچری اشاره کرد و با «اعدام اندیشه» خواندن این حکم، گفت: «آیا نظام موجود ظرفیت اصلاح پذیری دارد؟ آیا می توانیم

ادامه در صفحه ۲

و آینده نشان داد

به مناسبت سالگرد قتل های زنجیره ای

چهار سال از جنایت تکان دهنده مزدوران رژیم ولایت فقیه و قتل های زنجیره ای پروانه و داریوش فروهر، مختاری، پوینده و مجید شریف، مبارزان راه آزادی، عدالت و استقلال میهن ما گذشت. در چهار سال گذشته نه تنها عاملان و آمران این جنایت هولناک به پای میز محاکمه عادلانه کشیده نشده اند بلکه همان آمران امروز حکم اعدام برای دیگر آزادی خواهان و دگراندیشان صادر می کنند. امروز بازهم مزدوران و انصار «ولی فقیه» به گردهم آیی یاران قربانیان قتل های زنجیره ای یورش می برند و در پناه «قانون» ولایتی و حمایت دستگاه قضایی بیدادگر رژیم آزادانه به ضرب و شتم مردم شرکت کننده در این مراسم می پردازند. یاران سعید اسلامی همچنان حافظ پایه های رژیم هستند که دیر یا زود باید پاسخگوی جنایاتش باشد. مروری بر مواضع و حرکات تبلیغاتی سردمداران تاریک اندیش رژیم



شماره ۶۴۸، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۵ آذر ماه ۱۳۸۱

خامنه ای، رفسنجانی و مشکینی به جنبش مردمی اخطار دادند

مرتجعان حاکم خود را برای سرکوب خشن و خونین جنبش اصلاح طلبانه آماده می کنند!

گاه بدون بهانه درصدد تحریک و ایجاد آشوب است. البته نباید بهانه ای به دست دشمن داد اما همه بدانند کسانی که نظام اسلامی را به استبداد و ضدیت با آزادی متهم می کنند یا عامل دشمنند و یا فریب خورده او «خامنه ای» با اشاره به اعتراض های دانشجویان سراسر کشور افزود: «هرگاه حرکت سازنده ای در کشور آغاز می شود، دشمن برای مقابله با آن تحرکاتی می کند و این بار نیز با پیدا کردن بهانه ای تلاش کرد روال اصلی فعالیت دانشگاهها را دچار وقفه کند اما کسانی که به اینگونه حرکات امید بسته اند بدانند که در صورت نیاز موج اراده و عزم و اقتدار مردم، اینگونه مسائل را براحتی در خود حل خواهد کرد.»

رفسنجانی، کارگزار قابل اعتماد ارتجاع، که این روزها مجلس تشخیص مصلحت زیر نظرش به «قوه چهارم نظام» ارتقا درجه پیدا کرده است نیز در سخنان به شدت تحریک کننده بی ضمن مقایسه کردن اوضاع فعلی با شرایط اوایل انقلاب از جمله گفت: «در اوایل انقلاب نیز چپی ها، منافقین، لیبرال

ادامه در صفحه ۶

تحولات هفته های اخیر میهن ما و خصوصاً اوج گیری جنبش اعتراضی توده ها و حرکت های آگاهانه و سازمان یافته جنبش دانشجویی، در کنار نشانه های مثبتی از تحرک برخی از نیروهای اصلاح طلب، در درون جبهه دوم خرداد، از جمله نامه صد و شصت تن از نمایندگان مجلس در حمایت از حرکات اعتراضی دانشجویان، مرتجعان حاکم را به شدت وحشت زده و نگران کرده است. سعید علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم استبدادی، در سخنانی که در نماز جمعه این هفته تهران بیان کرد، ضمن تکرار حرف های بی پایه و اساس همیشگی به شکل روشنی جنبش مردمی را از ادامه مبارزه بر حذر داشت و تهدید کرد که در صورت ادامه اوضاع فعلی «مردم» و یا دقیق تر گفته باشیم اوباش مسلح و نیمه مسلح، نیروهای انتظامی، سپاه و انصار حزب الله را به صحنه خواهد آورد تا جنبش اعتراضی توده ها را سرکوب کند. خامنه ای ضمن اشاره به وقایع تیرماه ۷۸ از جمله گفت: «آن روز دشمن به آن جنجال امید فراوان بسته بود اما ملت با متانت و اقتدار به میدان آمد و غائله را ختم کرد. دشمن هم اکنون نیز گاه با پیدا کردن بهانه و

خط مشی نوین نظامی بوش تهدیدی برای بشریت

در صفحه ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه و آینده نشان داد . . .

در یکی از روزنامه‌ها خواندم که داریوش فروهر دیدارهای مکرری با کردهای مخالف داشته و قرار بوده در دفاع از عبدالله او جلال رهبر حزب پ. ک. ک. ک. تجمعی را علیه دولت ترکیه ترتیب دهد. با توجه به اینکه رژیم صهیونیستی و حکومت لائیک ترکیه اخیراً خیلی به هم نزدیک شده اند فکر نمی‌کنید این کار توسط مزدوران اسرائیل صورت گرفته باشد (کیهان و جوانان، ۱۲ آذر ۷۹).

جنتی: "نشانه‌هایی وجود دارد که عده‌ای در داخل و خارج در صدد هستند تا امنیت کشور را متزلزل کنند. ناامنی توطئه بسیار خطرناکی است که توسط دشمنان طرح ریزی شده و باید با تمام وجود با آن برخورد شود" (رسالت، ۱۵ آذر ۷۷).

بلندیان از مسئولان وزارت کشور: "مجید شریف در حال دودیدن و انجام حرکت‌های ورزشی دچار ایست قلبی شد و در گذشت و پزشک قانونی این را تایید کرد. در ایران مخالفین در داخل نظام آزادانه فعالیت می‌کنند و امنیت آنان را نیز حفظ خواهیم کرد. در سال‌های گذشته نیز قتل‌های بی‌دردی در کشور صورت گرفت که پس از بررسی و شناسایی قاتلان و ابستگی آنان به بیگانه مشخص شد" (عصر آزادگان، ۱۶ آذر ۷۷).

ده نمکی: "بنید آن روزی که شهیدلا جوردی ترور شد یا ساختمان دادستانی را منفجر کردند من یاد هستم که خیلی از روزنامه‌ها در کنار لیبرال‌های داخلی اقدام به جو سازی و بهره برداری سیاسی از آن کردند. آنها فکر کردند که این گونه وقایع فقط دامنگیر جناح مقابل است و اصلاً به فکرشان نمی‌رسید روزی دامن خودشان را هم بگیرد" (گزارش روز، ۲۱ آذر ۷۷).

محمد رضا باهنر: "حوادث و وقایع اخیر که امنیت کشور را به خطر انداخته، ناشی از توطئه‌های خارجی و پیچیده‌ای است که سرویس‌های جاسوسی بیگانه در آن نقش دارند. برای خود من سوال است مجموع حوادث، نقطه مشخص را نشان نمی‌دهد. دستگاه‌های امنیتی، نظامی و وزارت کشور که مسئول حفظ امنیت شهروندان هستند چرا کاری انجام نمی‌دهند؟" (خرداد، ۲۲ آذر ۷۷)

عسگر اولادی: "تردید نباید داشت که ریشه این قتل‌ها در خارج در دست سرویس‌های سیا، منافقین و صهیونیست‌هاست. آنها می‌خواهند تصویر تاریکی از وضعیت امنیت در داخل نشان دهند تا پای مداخله سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشر را باز کنند و اسباب نگرانی مردم خویمان را هم فراهم نمایند" (رسالت، ۲۳ آذر ۷۷).

محس رضایی: "قتل‌های فجیع اخیر در کشور، کار صهیونیست‌هاست. علایمی وجود دارد که آنان با این کار می‌خواهند در اهداف جمهوری اسلامی کارشکنی کنند" (ایران، ۲۴ آذر ۷۷).

محمود فرشیدی، کیهان نویسنده: "از هنگام

ادامه کرد هم آبی مهم . . .

با تاکتیک‌های قبلی انتظار اصلاح را داشته باشیم؟ آیا می‌توان مطالبات انباشته مردم، که در قالب آرای میلیونی تجلی پیدا کرده، را به وعده‌های سرخرمن موکول کرد؟ آیا در حالی که تمام نهادهای انتخابی به دست گروه‌های اصلاح طلب افتاده آنها توانسته‌اند کاری انجام دهند؟ وی با تشبیه اصلاح طلبان حکومتی به افراد ورشکسته و بدهکار، گفت: "اینان بدهکاران خوبی هستند که برای پاسخ به مطالبات انباشته، امروز و فردا می‌کنند، اما نمی‌توانند بدهی‌های خود را بدهند."

فریبرز رئیس‌دانا، اقتصاد دان، با اشاره به وقایع اخیر میهن و دستگیری‌های صورت گرفته، گفت: "نیروی اجتماعی از طریق همدلی و انتقال آگاهی است که شکل می‌گیرد و اینها می‌خواهند جلوی آگاهی را بگیرند." وی در ادامه با تشریح وضعیت فاجعه بار میهن در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و انتقاد از اصلاح طلبان حکومتی و اینکه آنها با بن بست مواجه شده‌اند، گفت: "ما باید بر اراده خودمان استوار باشیم. کمیته دفاع از حقوق مقتولین قتل‌های زنجیره‌ای وارد عمل شد، تاوانش این شد که آقای دکتر زرافشان به زندان رفت! تا زمانی که اصلاحات به مردم رو نکند و به آنها تکیه نکند، محکوم به شکست است." فریبرز رئیس‌دانا در سخنرانی خویش، از انجمن‌های اسلامی موجود و دفتر تحکیم وحدت ابراز ناامیدی کرد و انجمن‌های دانشجویی با پسوند اسلامی را ناکارآمد ارزیابی کرد. مجری برنامه در پاسخ به انتقادات و اظهارات رئیس‌دانا با توجه به اینکه وی از اعضای کانون نویسندگان ایران است، گفت: "کاش کانون نویسندگان ایران در مورد حکم آغا جری یک بیانیه می‌داد." در ادامه برنامه ضمن گرامی داشتن و یاد صفر قهرمانیان، قهرمان مقاومت در زندان‌های ستم

شاهی، مهندس نعیمی پور ضمن پایدی از زندانیان سیاسی، عبیدی، قاضیان و گرانایه، در اظهاراتی که به نظر می‌رسد نوعی پاسخگویی به اظهارات فریبرز رئیس‌دانا باشد، گفت: "جنبش دانشجویی چون وابستگی کمتری دارد، پرشور است و می‌تواند روش‌های پرشوری را تجربه کند. ولی کسانی که سال‌ها مبارزه کرده‌اند و اینک تعلقاتی دارند نمی‌توانند اینک پیشاهنگ جنبش دانشجویی باشند. استدعا می‌کنم که منتقدان راه‌های بدیلی را نشان دهند تا نسل جدید بتواند با تفکر، راه برون رفت از وضعیت کنونی را پیدا کند."

تقی رحمانی از فعالان ملی-مذهبی، با اشاره به ناکامی انقلابیون دیروز و اصلاح طلبان حکومتی در نهادینه کردن نهادهای مدنی، نقش جنبش دانشجویی را نه راهبردی که پیشرو ارزیابی کرد و بار تحمیل شده به آن را بیش از تحمل این جنبش دانست. وی در این زمینه یکی نقش استبداد داخلی و دیگری عدم ارتباط با توده مردم را دلیل این معضل ذکر کرد. سعید حجاریان با اشاره به اینکه در این برنامه صحبت از خیلی‌ها گردید به جز یک نفر، گفت: "اگر من فقط یک کلمه بتوانم بگویم، از خام پروانه اسکندری سخن می‌گویم. احساس کردم وظیفه‌ام است پایدی از آنها کنم. این دو نفر مظلوم واقع شدند. همه می‌دانند که اینها چگونه کشته شدند و نحوه کشتنشان چقدر وحشیانه بود. خود من در روزنامه صبح امروز در تمام روزها از این دو نفر صحبت داشتم. خدا آقای گنجی را حفظ کند، تلاش کرد تا قضیه قتل‌های زنجیره‌ای فراموش نشود و حالا دارد فراموش می‌شود. ترور در ایران زیاد بوده، ترور چیز بدی است اما ترور یک زن آن هم به آن طرز فجیع بسیار دردآور است. دختر ناصر زرافشان در دفاع از پدر زندانی اش طی سخنانی

گفت: "تنها جرم پدر من دفاع از مقتولان قتل‌های زنجیره‌ای است و به این جرم که پرونده را خوانده و از یک سری اطلاعات نت برداری کرده و به اطلاعاتی دسترسی پیدا کرده که نباید دسترسی پیدا می‌کرد به زندان رفت." میثم سعیدی در ادامه برنامه در پاسخ به سخنان رئیس‌دانا، گفت: "روشی که ما انتخاب کرده‌ام روش اصلاحی و قانونی است. فشارهای جریان اقتدار طلب نتوانست این حرکت را متوقف کند. البته در مقاطعی ضعیف عمل کردیم و آنچه که باعث شده که ضعیف عمل کنیم بحران سازماندهی بوده است. سازمان دهی خوبی نداشته‌ام." وی در ادامه با صدای بلند فریاد زد:

"روشن‌های اشتباه عده‌ای باعث نشود، پسوند اسلامی را از جلوی انجمن‌ها برداریم. با احساسات نمی‌توان اصلاحات را پیش برد."

ادامه گردهم آبی مهم سیاسی در . . .

آقای که می آیی اینجا حرف های تند می زنی، شما حرفت را می زنی و می روی فردا این دانشجویان بیچاره باید هزینه اش را بدهند. اگر انتقاد دارید، راه حل بدیل هم نشان دهید. زید آبادی در اشاره به وضعیت ناگوار و دشوار خلیل رستم خانی و آقای صدر دو نفر دیگر از زندانیان سیاسی، گفت: تمام زحمت ۵ سال گذشته این بود که بگویم انقلاب خوب نیست و باید اصلاح کرد. اما انقلاب دست ما نیست. نظامی که نتواند خود را اصلاح و ترمیم کند با خطر انقلاب مواجه می شود. وی در جواب به سخنان میثم سعیدی گفت: غیر از آقای حجاریان که با هم همکلاس هستیم و گاهی با هم صحبت می کنیم، بقیه انگار خودشان را عقل کل و بی نیاز از مشورت می دانند. اصلاح طلبان داخل حاکمیت می توانند از موانع تحول هم باشند. اگر مثلاً بخواهیم اعتصاب یا آنگونه که آقای گنجی گفته اند نافرمانی مدنی کنیم، دودش به چشم اصلاح طلبان داخل حکومت می رود. بنابراین خودشان تبدیل به مانع می شوند. از دوستان می خواهیم که بگویند چه کاری می خواهند بکنند؟ نهادهای انتخابی را گرفته اید اما از سه سال پیش حرکتی نشده که بتوانیم پیشرفت اصلاحات بدانیم. وقتی در قدرت نمی توانید تاثیری داشته باشید به قول خود عمل کنید و از حاکمیت خارج شوید.

دکتر پیمان، با یادی از آقای اشکوری، حضور فعال یا عدم حضور سازمان یافته مردم را عامل اصلی یا شکست جنبش ها دانست و در اشاره به مواردی از جنبش های اجتماعی در گذشته، گفت: اصلاحاتی که از درون شروع می شود، یعنی بخشی از حاکمیت در مواجهه با بحران های اجتماعی به جای سیاست سرکوب به اصلاحات می پردازد، مسئولیت اینها این است که اگر بخواهند به مردم و آرمانشان وفادار باشند، در حال گذار و مستقل شدن از حکومت، به جنبش های اجتماعی کمک کنند. اگر این کار را نکنند، خودشان دچار مشکل می شوند. جنبش اصلاحی هم راهی جز استقلال و کسب نیرو از داخل مردم ندارد. عیسی سحر خیز، مدیر کل داخلی سابق وزارت ارشاد، گفت: ۳ سال پیش در فرانسه از من سؤال کردند با بستن روزنامه ها سر نوشت مطبوعات کشور چه می شود؟ من در جواب گفتم، آنچه که در مطبوعات اتفاق افتاده نونگ کوه یخی بود که در آب شناور است و هنوز پتانسیل های بسیاری برای رو شدن وجود دارد. این جمله در مورد جنبش دانشجویی هم صادق است. اگر تلاش کردند که با جنبش دانشجویی برخورد کنند و برخی را زندانی کنند، اما این حرکات بدنه دانشجویان ما را فعال کرد. انگار دانشجویان با تجربه اندوزی از سه سال گذشته خیلی معقول تر رفتار کردند و باید از دانشجویان برای دو هفته گذشته تشکر کنم. علی سیاسی راد در ادامه این برنامه اظهار داشت: به عنوان کسی که در دهه ۷۰ از فعالین دانشجویی بوده ام، اجازه بدهید در دهه ۸۰ جهت گیری دقیق تری داشته باشیم. در دهه های قبل جنبش دانشجویی تحت حاکمیت عمل کرد و تابع اقتضائات حوزه سیاسی و قدرت بود. بسیاری از تصمیمات در خارج از دانشگاه طراحی می شد و دانشجویان تنها مجری بودند. اجازه بدهید دانشجویان فکر کنند و با استفاده از دستاوردهای خودشان جلو بروند. وی در ادامه در تبیین خواسته های جنبش دانشجویی گفت: حرف جنبش دانشجویی چیزی فراتر است. ما می گوئیم برای تفکر و حرف زدن امنیت نداریم. ما می گوئیم آقای آغا جری برای حرف زدن و اظهار نظر کردن محکوم شده است. . . . پیشنهاد من این است که در دهه ۸۰ برنامه هایمان بر اساس حقوق بشر و آزادی های فردی باشد. در قسمتی دیگر از برنامه دو نفر از دانشجویان که مدت ۱۵ ماه به خاطر انتشار نشریه دانشجویی "کویر" در زندان بسر برده بودند، با یادی از زندانیان سیاسی در بند به ذکر خاطراتی از آن دوران پرداختند.

صرف نظر از اظهارات متفاوتی که در این برنامه از سوی سخنرانان مختلف ایراد گردیده، از درون گزارش مذکور می توان به مسایلی چند پی برد. موضوع زندانیان سیاسی با توجه به اینکه تک تک سخنرانان در ابتدا به نحوی از آنها یاد می کردند، همچنان به عنوان اولویت جنبش مطرح است. مسأله دیگر اینکه فشار به اصلاح طلبان حکومتی و انتقادهای شدید از آنها بخصوص با توجه به عملکرد چند ساله گذشته آنها، رو به افزایش گذاشته و راه کارهای عمل شده توسط آنها را بی ثمر ارزیابی می کند. موضوع و مسأله "خودی" و "غیر خودی" همچنان به عنوان معضل جنبش مردمی وجود دارد. مسأله سازمان دهی جنبش و تکیه بر نیروی توده ها کم و به تدریج نموده های علنی خویش را بروز می دهد و همانطور که در گزارش مذکور هم به آن اشاره گردیده، جنبش مردمی برای پیشرفت باید در این سمت و سو قدم بردارد. پاسخ های مجری برنامه به

بدرود رفیق کارگر توده ای

حسین سمنانی



روز ۲۴ مهرماه حسین سمنانی یکی از رفقای سندیکالیست قدیمی و همچنان وفادار و پایبند به اعتقادات مردمی و اصولی حزب و جنبش کارگری و سندیکالیستی در گذشت. رفیق حسین سمنانی در سال ۱۲۹۹ هجری شمسی متولد شد و در نو جوانی به

عنوان یک کارگر کفاش وارد بازار کار شد. او از همان دوران نوجوانی یعنی از ۱۷ سالگی به فعالیت های صنفی کارگران پیوست و به علت هوشیاری و روحیه عمیقاً عدالت خواهانه به سرعت به یکی از فعالان جنبش کارگری و به ویژه در صنف کارگران کفاش بدل شد. رفیق حسین سمنانی که از سازمان دهندگان سرشناس فعالیت های سندیکایی به شمار می رفت، به دلیل متانت و صداقت خود از چهره های محبوب صنف کفاشان بود و در فاصله سال های ۲۱ تا ۲۸ مرداد ریاست هیأت مدیره سندیکای کفاش را بر عهده داشت. او پس از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر شد و در زندان های ستم شاهی آزار و اذیت فراوانی بر او رفت. اما این فشارها کارگر نیفتاد و او پس از آزادی همچنان به مبارزه ادامه داد و در احیای سندیکای کارگران کفاش نقش موثری ایفا کرد. او در آن سالها به اتفاق عده دیگری از همزمان خودنشریه ای به نام «اتحاد کارگران» منتشر کرد که چند شماره از آن نیز بعد از انقلاب بهمن منتشر

شد.

رفیق کارگر توده ای حسین سمنانی در ۲۴ مهرماه ۱۳۸۱ به علت کهنسنت سن و ناراحتی کبدی از میان ما رفت. در مراسم ترحیم او که در بیست و ششم مهرماه در افسریه تهران برگزار شد، جمعی از پیش کسوتان و فعالان سندیکایی و صنوف مختلف کارگری و جمله کارگران کفاش، بافنده سوزنی، خیاط، فلز کار و مکانیک و کارگران کارخانه های مختلف حضور یافتند.

«نامه مردم» در گذشت رفیق کارگر توده ای حسین سمنانی را به خانواده، دوستان و رفقای کارگر او تسلیت می گوید. یاد رفیق سمنانی و مبارزات او در دفتر تاریخ مبارزات کارگری میهن ما ثبت است.

ادامه خصوصی سازی . . .

میزان تاثیر گذاری آنان را ارتقاء می دهد که منافع آنها در گرو اجرای این برنامه هاست و در مقابل قدرت عمل و امکان تحرک نمایندگان سیاسی طبقات و اقشاری را محدود می سازد که منافع آنها در تقابل و تضاد با اجرای این برنامه ها قرار دارد. توانایی های ارتجاع در مقابله با جنبش مردمی را از دوم خرداد ۷۶ به این سو، م باید در برخی از عمده ترین خطوط با این معیار سنجید.

اینکه، پرسش اساسی اینجاست؛ آیا فضای سیاسی متناسب با برنامه های ضد ملی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول، بسود تحقق آزادی در جامعه و تأمین حاکمیت مردم، قانون گرایی و حقوق و آزادی های دموکراتیک فردی و اجتماعی است؟!

دکتر فریریز رئیس دانا و میثم سعیدی، نمایندگان دو طرز تفکر نشان می دهد جنبش دانشجویی ضمن قبول و احترام به اندیشه های مختلف، با توجه به تجربیات گذشته، مستقل بودن و تصمیم گیری آزاد در عرصه های نظری و عملی را سرلوحه سیاست های خویش قرار داده است. با اینکه تجربیات گذشته نشان داده که مرتجعان حاکم به دلیل هراسشان از تبادل اندیشه های مختلف مانع از تداوم چنین برنامه هایی خواهند گردید، اما صرف برگزاری چنین جلساتی در رشد و پیشرفت جنبش مردمی بی تاثیر نخواهد بود.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

خصوصی سازی، سرمایه گذاری خارجی، و فضای سیاسی متناسب

روز دوشنبه ۲۹ مهر ماه سال جاری، محمد خاتمی در مراسم گرامیداشت روز صادرات در ارتباط با وضعیت اقتصادی کشور و لزوم پویایی آن اعلام داشت: "سیستم بانکی کشور باید برای رشد تولید و صادرات در کشور فعال تر، پویاتر و کارآمدتر عمل کند... پویایی اقتصادی و صادرات ما در استفاده از امکانات و سرمایه گذاری خارجی است." پیش از این نیز وی در جریان سفر به استان گیلان در جلسه شورای اداری این استان در جمع مدیران بلند پایه استانداری با صراحت، یادآور گردیده بود: "حل مشکلات اقتصادی جز با سرمایه خصوصی و اعتبارات خارجی (سرمایه گذاری خارجی) میسر نیست و این امر تنها با تأمین حاکمیت قانون و ایجاد امنیت اجتماعی و قضایی فراهم می شود." این سخنان نشانگر محتوی و سمت و سوی برنامه های اقتصادی است؛ در عین حال تأکید خاتمی و شمار بزرگی از مسئولان رژیم ولایت فقیه مبنی بر اینکه برای تحقق برنامه های اقتصادی نیاز به حاکمیت قانون و ایجاد امنیت قضایی وجود دارد، این واقعیت را بر ملا می سازد که، ایجاد فضای سیاسی متناسب با برنامه های اقتصادی در اولویت برنامه ها و اهداف گروه بندی های مختلف درون و پیرامون حاکمیت قرار دارد. در این خصوص با شتاب یافتن اجرایی برنامه های اقتصادی که بگانه راه برون رفت از بحران قلمداد می گردد، کشمکش و رویارویی میان جناح های مختلف نیز زرفش می یابد. برخی اقدامات اجرایی به منظور پیاده کردن طرح های اقتصادی مبتنی بر فرامین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، طی ماههای اخیر شتاب فزاینده یافته است. در اواخر مهرماه امسال، سازمان توانیر اعلام داشت، در قانون ۳۵ ساله برق بازنگری خواهد شد و هدف این بازنگری ایجاد تغییرات کمی و کیفی و تحول در ساختار صنعت برق ایران است. این سازمان با بخشنامه وزارت نیرو، موظف به تدوین پیش نویس نوین برای صنعت برق شده که رئیس آن از جمله عبارتند از: خصوصی سازی و سرمایه گذاری خارجی در برق تعیین نرخ و حل مساله تعرفه ها و... در صنعت پتروشیمی نیز به عنوان یکی از صنایع سودآور و فوق العاده پر اهمیت در اقتصاد ملی، برنامه خصوصی سازی و واگذاری امور به دست بخش خصوصی و انحصارات فراملی با شدت جریان دارد.

در اواخر مهرماه مطبوعات گزارش دادند، شرکت ملی پتروشیمی قرارداد ساخت کارخانه پلی اتیلین سبک به ظرفیت ۳۰۰ هزار تن را از طریق واسطه گری یک شرکت ایرانی به نام نارگان به یک شرکت فرانسوی واگذار کرده و فرانسوی ها کنسرسیومی مرکب از تعدادی شرکتهای هلندی، بلژیکی و آفریقایی جنوبی تشکیل داده اند. ارزش طرح مذکور بیش از ۱۵۰ میلیون یورو اعلام شده و در منطقه آزاد پارس جنوبی (عسلویه) به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. علاوه بر پتروشیمی در صنایع نفت و گاز نیز، جمهوری اسلامی برنامه خصوصی سازی و جلب سرمایه خارجی را دنبال می کند. رژیم ولایت فقیه برای گسترش همکاری با اتحادیه اروپا، پیشنهادهای بسیار "سخت و تمندانه" ارائه نموده.

بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت در تاریخ ۲۸ مهر ماه در مراسم گشایش همایش همکاری های انرژی ایران و اتحادیه اروپا یادآور شد: "اتحادیه اروپا به لحاظ نزدیکی جغرافیایی از بازارهای جذاب انرژی برای ایران است." او سپس افزود: "کشورهای اروپایی در سالهای گذشته به دلیل حضور نیافتن شماری از شرکتهای درجه اول و معتبر جهان در صنعت نفت و گاز ایران از موقعیت بسیار خوبی برخوردار شده اند." در طی همین مراسم مدیر عامل شرکت ملی صادرات گاز ایران خاطر نشان ساخت، شرکت گاز ایران اجرای سه طرح تولید گاز طبیعی مایع شده (ال-ان-جی) را با مشارکت شرکتهای خارجی در دست انجام دارد. از سوی دیگر در تاریخ ۷ آبان ماه خبر انعقاد قراردادی بزرگ در زمینه نفت و گاز انتشار یافت. این قرارداد که ارزش اولیه سرمایه گذاری آن ۳۲۰ میلیون دلار می باشد، مدیریت (بخوان انحصار تولید و صدور) عملیات بخش فراساحلی سه مرحله از میدان عظیم گازی پارس جنوبی را به شرکت استات اویل نوروز واگذار می کند. قرارداد مذکور توسط شرکت پتروپارس با استات اویل به امضاء رسیده است و بر پایه آن شرکت انرژی ضمن مدیریت عملیات (انحصار استخراج و تولید) بخش فراساحلی (فلات قاره) طرح توسعه مراحل شش، هفت و هشت پارس جنوبی به میزان ۴۰ درصد معادل ۳۳۰ میلیون دلار، در این بخش سرمایه گذاری می کند. در واقع استات اویل نوروز در مالکیت تولید سهم ۴۰ درصدی به چنگ آورده است

و این مغایر اصل ملی بودن صنعت نفت ایران است! در ضمن مدت این قرارداد ۶۶ ماه ذکر گردیده. همچنین شرکت انرژی استات اویل موفق شده، طی قراردادی با یک شرکت دیگر ایرانی به نام نیکو، در طرح احداث شاه لوله های زیردریایی سرمایه گذاری به مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار انجام دهد. به گفته مدیر عامل شرکت پتروپارس، ۱۳ شرکت بزرگ ژاپنی و کره ای در سه کنسرسیوم با مشارکت برخی شرکتهای خصوصی ایرانی گردآمده اند و برای شرکت در مناقصه های بزرگ و پرسود تاسیسات فراساحلی (فلات قاره) و بخش خشکی در انتظار هستند.

در این میان، پرسشی مهم خودنمایی می کند، و آن اینست که چگونه رژیم ولایت فقیه که از زبان وزیر نفت اعلام می کند: "اروپا به لحاظ نزدیکی جغرافیایی از بازارهای جذاب انرژی برای ایران به شمار می رود" و این بازار جذاب قاعدتاً منبع درآمد مناسبی برای کشور قلمداد می شود، شاهرگ تولید و صدور گاز ایران به استات اویل نوروز که مهمترین و پر قدرت ترین رقیب گاز ایران در اروپاست واگذار می شود. آنهم با شرایطی کاملاً تحمیلی و یک طرفه؟؟ بر پایه آمار خود رژیم، نوروز، روسیه و الجزایر تأمین کنندگان اصلی گاز مصرفی اروپا هستند و در میان آنها نوروز به دلایل متعددی وزنه ای سنگین در این بازار محسوب می شود. آیا یک چنین رقیب جدی و پُر قدرتی با به دست آوردن امتیازات واقعاً باورنکردنی، به ایران اجازه خواهد داد جایگاه شایسته و بایسته خود را در بازار مصرفی اروپا به دست بیاورد؟ علاوه بر صنایع استراتژیک نفت، گاز و پتروشیمی، صنعت دخانیات ایران نیز به حراج گذاشته شده است. روز چهارشنبه ۸ آبان ماه، دولت محمد خاتمی لایحه لغو انحصار دخانیات را به مجلس شورای اسلامی ارائه داد. این طرح شامل ۱۵ ماده است و تحت عنوان ایجاد شرایط رقابتی در زمینه تولید، توزیع و واردات، به عمر شرکت ملی دخانیات ایران پایان می دهد و تولید و توزیع و واردات فرآورده های دخانی را کاملاً در اختیار بخش خصوصی می گذارد. در این طرح ابتدا و با شیوه ای ضربتی کارخانجات دخانیات ایران به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. جالب است که، از هم اکنون برنامه تعدیل نیروی انسانی تدوین و برای اجرا آماده شده است. اجرای این برنامه ها که محتوی سمت گیری اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه تلقی می شود، در فضای ملتهب و در رویارویی با ارتجاع حاکم به هیچ رو، تأکید می کنیم به هیچ رو منطبق با منافع توده های وسیع مردم شامل گسترده ترین طبقات و اقشار اجتماعی که با دیکتاتوری سیاه حاکم در تضاد قرار دارند، نبوده و نیست. راهبرد کنونی بخش مهمی از اصلاح طلبان حکومتی که معتقد به خصوصی سازی و جذب سرمایه خارجی برای شکوفایی اقتصادی هستند، و در این پندار باطل بسر می برند که، گویا خصوصی سازی و سپردن امور به بخش خصوصی و مشارکت دادن انحصارات فراملی "آزادی و دمکراسی" را در پی به ارمغان خواهد داشت؛ نه تنها در کشور ما عملی نیست، بلکه تجربه دیگر کشورها نیز این امر را به اثبات می رسانند. تأمین قانونیت و تأمین حقوق و آزادی های دموکراتیک فردی و اجتماعی و نقطه پایان نهادن بر رژیم واپس مانده ولایت فقیه به عنوان سد اساسی و مانع عمده تحولات مترقی در کشور، مستلزم سمت گیری اجتماعی-اقتصادی مبتنی بر خواست و منافع مردم و در رأس آنها توده های محروم جامعه است. تنها در این صورت می توان گام های واقعی و اساسی در جهت نیل به آزادی و تأمین حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی، برداشت و نیروی عمده مانع تحقق این آماج های جنبش مردمی را مهار، خنثی و در پایان طرد کرد.

تحولات چند هفته گذشته در میهن ما و ضرورت مشارکت هر چه وسیع تر مردم در مقابله با توطئه های ارتجاع و مدافعان ذوب در ولایت، به خوبی نشان میدهد نکی از عرصه های مهم، توجه به این امر انکارناپذیر است. راهبرد ایجاد فضای متناسب با برنامه های اقتصادی آنچنانکه رمضان زاده، سخنگوی دولت عنوان نموده: "برای پیشبرد برنامه های اقتصادی (خصوصی سازی، جلب سرمایه خارجی و تأمین امنیت سرمایه) ما نیاز به یک فضای سیاسی متناسب داریم." و یا محمد خاتمی در سفر به اسپانیا در پاسخ به پرسش خبرنگار روزنامه اسپانیایی ال پاییس خاطر نشان ساخته: "ما نیازمند... تقویت بخش خصوصی، جذب سرمایه گذاری خارجی و... هستیم و بدون آن اصلاحات سیاسی امکان پذیر نخواهد بود." نخواهد توانست در اوضاع حساس و به شدت نگران کننده کنونی چه در سطح منطقه ای و چه در سطح داخلی جنبش مردمی را در برابر اقدامات مخرب و ضد ملی و ضد مردمی مدافعان ذوب در ولایت تجهیز کرده و گام عملی در راستای حقوق حقه مردم بردارد.

آن فضای سیاسی که شالوده اش بر برنامه های مبتنی بر نولیبرالیسم قرارداد، بی شک قدرت مانور و تحرک نمایندگان سیاسی طبقات و اقشاری را افزایش داده و

جهانی دیگر ممکن است! فلورانس - قیامی بر ضد جنگ طلبی و "جهانی شدن" سرمایه داری

تظاهرات يك ميليون تن از مخالفان "جهانی شدن" سرمایه داری و نظامی گری امپریالیستی در فلورانس در روز ۱۹ آبان ماه، در پایان اجلاس اجتماعی اروپا که در بین روزهای ۱۵ تا ۱۸ آبان ماه در این شهر در جریان بود، توان و ابتکار عمل جنبش مردمی در جهان را دگرپاره به نمایش گزارد. اهمیت این تظاهرات این بود که در شرایط دشوار و جو مسموم پس از ۱۱ سپتامبر فعالان جنبش اجتماعی توانستند تجربه "قیام سیاتل" را به دستاوردهای دو تجربه موفق و فراگیر جهانی در پورتو الگره پیوند بزنند و در قلب اروپا فریاد رسای مخالفت با طرح های امپریالیسم را سر دهند. سهم برجسته احزاب کمونیست و کارگری در سازماندهی و انجام موفق این ابتکار توده ای از حضور دریایی از پرچم های سرخ و پلاکارد های منقش به داس و چکش نمایان بود. در سازمان دهی این ابتکار موفق که برای بیش از ۸ ماه جریان داشت، نقش حزب احیاء کمونیست ایتالیا (رفونداسیون)، سازمان آتک از فرانسه و جنبش جهانی زنان برجسته بود.

آنچه در طول پنج روز هیجان برانگیز در فلورانس به وقوع پیوست شاهدی بود بر این مدعا که جنبشی جهانی در طلب عدالت اجتماعی ابعاد نوینی یافته و هر روز که می گذرد ژرفای بیشتری می یابد. فعالیت ها هدفمند تر، راه های مبارزه مشخص تر و شعار ها دقیق تر می شود. جنبش مردمی بر ضد "جهانی شدن"، نو لیبرالیسم و نظامی گری از حالت يك جریان خود به خودی به يك پیکار برنامه ریزی شده مبدل می شود. در حالیکه اجلاس پورتو الگره به مثابه محور اصلی موقعیت خود را حفظ می کند، قرار است که در همان چارچوب و با همان اهداف اجلاس های منطقه ای دیگری برای بسیج توده ها در سراسر گیتی برگزار شود. امسال برای نخستین بار "اجلاس اجتماعی قاره اروپا" در بین روزهای ۱۵ الی ۱۹ آبانماه در فلورانس - ایتالیا تشکیل شد. یکی از اهداف اعلام شده اجلاس فلورانس که تحت عنوان "یک اروپای دیگر امکان پذیر است! بر ضد نو لیبرالیسم، بر ضد جنگ و بر ضد نژادپرستی" برگزار شد، تدارک "اجلاس پورتو الگره" در بهمن ماه بود. هماهنگ کنندگان جنبش بین المللی بر ضد جهانی شدن و نظامی گری در تدارک این می باشند که اجلاس های دیگری را با هدف مشترک با اجلاس های پورتو الگره و فلورانس در قاره های دیگر جهان سازمان دهی کنند. قرار است که اجلاس آفریقا در "باماگو"، اجلاس آسیا در هند، اجلاس اقیانوسیه در استرالیا، اجلاس خاور دور در سنگاپور و دو اجلاس برای دو بخش قاره آمریکا در "کوئیتو" و

سرانجام سومین اجلاس جهانی در "پورتو الگره" و در پی آن چهارمین اجلاس جهانی در هند برگزار شود. چنین ابتکار هایی، علاوه بر فراهم آوردن امکان تبادل نظر بین نمایندگان جنبش های مختلف که در جای خود بسیار ارزشمند ولی نا کافست، همچنین فرصتی ضروری برای هم آهنگ کردن عمل جنبش های مختلفی است که در سرتاسر جهان به اشکال گوناگون مبارزه ای شدید و دشوار را به پیش می برند. اجلاس فلورانس را می توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش نخست تشکیل کنفرانس ها، سمینارها، گروه های کار، دیدارها و از جمله ملاقات و تبادل نظر پاره ای از رهبران شناخته شده جنبش، نمایش فیلم و تئاتر و برگزاری نمایشگاه و نظایر آن بود. در این بخش از برنامه که از قبل شرکت بیست هزار نفر در آن پیش بینی می شد، عملاً ۶۰ هزار شرکت کرده بودند. بخش نهایی اجلاس فلورانس راه پیمایی و تظاهرات بر ضد جنگ و جهانی شدن و برای استقرار عدالت اجتماعی بود. در حالی که سازمان دهندگان اجلاس فقط شرکت دو بیست هزار نفر را پیش بینی می کردند، شمار شرکت کنندگان بسیار فراتر از این رقم بود. صحبت از شرکت يك ميليون نفر بود. این جمعیت عظیم با قطار های ویژه از سراسر شبه جزیره به فلورانس آمده بودند. يك روزنامه محلی دست راستی فرانسه بنام "میدی لیبر" نوشت: "تعداد راه پیمایان چند نفر بود؟ ۴۰۰ هزار، ۶۰۰ هزار، ۸۰۰ هزار و یا يك ميليون؟ رقم دقیق خیلی مهم نیست. در هر صورت این دریایی خروشان از انسانها بود که فلورانس را در نوردید و فریاد رسای خود بر ضد جهانی شدن و جنگ را به گوش جهانیان رسانید. همین روزنامه نوشت: "هنگامیکه نخستین راه پیمایان به استادیوم نقطه پایانی راه پیمایی، رسیده بودند، انتهای صف هفت

کیلومتر دورتر از آن هنوز از جای خود تکان نخورده بود. و افزود: "در روی پلاکارد ها به بسیاری از زبان ها نوشته شده بود: "این جنگ را با خود به جهنم ببرید" - "اروپای دیگری امکان پذیر است"، "جنگ نه" و ...

اهالی فلورانس در حالیکه پرچم های رنگین را تکان می دادند برای تشویق و همزبانی با تظاهر کنندگان روی بالکن های کنار مسیر گرد آمده بودند. در طبقات همکف ساختمان ها و در مقابل درب ها، اعضای خانواده ها از کوچک و بزرگ بسا چای و میوه از شرکت کنندگان در راه پیمایی پذیرایی می کردند و تظاهر کنندگان هم با گفتن سپاس فلورانس با صدای رسا به این محبت ها و همبستگی ها پاسخ می دادند.

رفیق "فائوستو پرتیونتی" دبیرکل حزب احیاء کمونیست ایتالیا (رفونداسیون) گفت: "بیان کار فوق العاده بود. من فقط درباره راه پیمایی باشکوه، مصمم و خواهان صلح صحبت نمی کنم. اجلاس از دو مشخصه متفاوت برخوردار بود: از يك سو آزمایشگاه سیاسی بود و از سوی دیگر تظاهرات. این دو عامل پا های قدرتمند يك جنبش خلقی نوین می باشند. " اجلاس فلورانس در روزهای ۱۵ الی ۱۹ آبانماه علاوه بر کارهای برنامه ریزی شده دو پدیده بسیار مهم را به وضوح نشان داد: یکی زایش دوباره جنبش پرتوان ضد جنگ و هواداری از صلح و دیگری بی اعتبار شدن احزاب سوسیال دموکرات و دست راستی بود. بسیاری از این احزاب به ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی و در بحبوحه تهاجم ایدئولوژیک سرمایه داری و کارزار بی امان بر ضد سوسیالیسم، وحشت زده و سراسیمه به اردوگاه سرمایه داری پیوستند. موضوعی که بیشتر از همه مورد بحث قرار گرفت و این نیز تصادفی نبود مخالفت با جنگ و لزوم شکل گیری يك آلترناتیو صلح جویانه بود که در تمامی خطوط مورد موافقت همگان قرار گرفت.

جنبش جهانی صلح که پس از جنگ جهانی دوم و در بحبوحه جنگ سرد تحمیلی کشورهای سرمایه داری و البته در کنار جنگ های گرم، به وجود آمد و جهانگیر شد، از سال های هشتاد به بعد به خاموشی گرائید و دیگر فاقد يك مرکز واحد برای هم آهنگ کردن فعالیت های صلح طلبانه بود. و در سال های اخیر فقط به پاره ای حرکات موضعی و محفلی محدود شده بود. در حالیکه کشورهای سرمایه داری از یکسو به گسترش تسلیحات ادامه دادند و از سوئی دیگر همواره تنور جنگ را گرم نگاه داشتند. کافی است که به جنگ خلیج فارس، به فروختن و دامن زدن به جنگ در یوگسلاوی که سرانجام به دخالت و قیحانه ناتو در آن کشور - از بالای سر سازمان ملل منتهی شد، و جنگ افغانستان و امروزه تدارک جنگ عراق نگاهی افکنده شود. سیاست تجاوزکارانه و جنگ طلبانه ایالات متحده آمریکا اکنون دیگر يك تهدید نیست بلکه خطری واقعی و قطعی است. بنابراین تصادفی نیست که تکیه اصلی اجلاس فلورانس مقابله با جنگ و جنگ طلبی و مبارزه برای حفظ صلح بود. نیروهای شرکت کننده در اجلاس فلورانس مخالفت یکپارچه و اصولی خود با تهدید جنگ بر ضد عراق از سوی آمریکا را حتی در صورت تأیید سازمان ملل متحد اعلام کردند.

یکی از موضوعات کلیدی مورد بحث در اجلاس سازماندهی اعتراضات جمعی بر ضد تلاش های دولت راستی ایتالیا برای تغییر ماده ای در قوانین این کشور است که بانک ها را موظف می کند تا بیلان کاملی از عملیات مربوط به فعالیت های کمپانی های تسلیحاتی اعم از تولید و فروش تسلیحات منتشر کنند. احزاب راست و سوسیال دموکرات تحت فشار کمپانی های تسلیحاتی در صددند با تغییر این ماده قانونی مردم را از هر نوع کنترلی بر تجارت سوداگران مرگ محروم کنند. از لحظات فراموش نشدنی اجلاس فلورانس که نمایشگر موقعیت

برجسته جریان رادیکال و ترقی خواهانه "جنبش اجتماعی جهانی" می باشد ورود نمایندگان کارگران اعتصابی کارخانه فیات به استحکامات "بوسو" در مرکز تاریخی فلورانس محل برگزاری مراسم اصلی اجلاس بود. این کارگران که در اعتراض به اخراج ۸۰۰۰ کارگر از هفته پیش از اجلاس در اعتراض بودند، در میان استقبال شورانگیز شرکت کنندگان و غریب "زنده باد" به اجلاس پیوستند. شرکت کنندگان در اجلاس همچنین مخالفت خود با هرگونه نزدیکی با نیروهای سوسیال دموکرات اروپایی که در سال های اخیر از جنگ های امپریالیستی بر ضد یوگسلاوی و اکنون عراق با قلمداد کردن آن ها به مثابه جنگ به دلیل ملاحظاتی انسانی، حمایت کرده اند، را اعلام کرد. شرکت کنندگان اجلاس در فرصت های مختلف جورج بوش، تونی بلیر و برلسکونی را که بیش از دیگر سران کشورهای امپریالیستی از جنگ حمایت می کنند، مورد حمله قرار دادند. از نکات بسیار جالب و تأثیر بخش بحث در مورد جنگ، سخنان خانم

"کولین کلی"، رئیس انجمن خانواده های قربانیان حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر در ابراز مخالفت این انجمن با سیاست های جنگ طلبانه بوش بود که اعلام کرد:

"حرف ما اینست: نه به نام ما."

ادامه خامنه ای، رفسنجانی و مشکینی ...

ها و سلطنت طلب ها در دانشگاه ها و خیابان ها تجمع می کردند و حتی کلاس های دانشگاه ها را نیز تعطیل کرده بودند تا به هدف اصلی شان که ریاست جمهوری بنی صدر بود، برسند ... اما با حرکت بزرگ مردمی که از درون جامعه شروع شد آنها مانند ابر پاکنده شدند. الان هم باز همان موج به راه افتاده است. حرکت های اخیر معلول فشارهای گذشته است... و در انتها این پیام که: «آنهايي که در خیابان ها علیه بسیج شعار می دهند، عمدتاً می خواهند بسیج را تضعیف کنند و امنیت را از کشور سلب نمایند. این ها دشمنان بنیان مملکت اند...» (به نقل از آفتاب یزد، دوشنبه ۴ آذر ماه ۱۳۸۱).

در لابلای سخنان رفسنجانی مقایسه های قابل توجهی نهفته است که باید آن را نشانگر تحلیل کنونی مرتجعان حاکم از اوضاع بحرانی کشور دانست. در این مقایسه ها دوران ریاست جمهوری خاتمی با دوران ریاست جمهوری بنی صدر مقایسه شده است و اشاره رفسنجانی به سرکوب خونین آن حرکت در خرداد ۱۳۶۰ بی شک اشاره یی است به قصد مرتجعان حاکم برای سازمان دهی اقدامات مشابهی در وضعیت کنونی. در میان اظهار نظرهای رهبران جبهه ارتجاع روشن ترین و در عین حال افشاگرانه ترین آنها سخنان مشکینی، رئیس مجلس خبرگان در نماز جمعه قم است که دانشجویان و نیروهای معترض بر ضد حکم آغاچری را پول بگیران آمریکا دانست و آنان را به سرکوب شدید تهدید کرد. مشکینی گفت: «در کشور ما آنچه در راس قرار گرفته، قوای سه گانه است. الان من می گویم قوا چهارگانه شده اند. قوه ی مجریه، قضاییه و مقننه و مجمع تشخیص مصلحت نظام ... هر تصمیمی که مجلس و دولت بر طبق قانون و شرع انجام می دهد، محترم است و هر حکمی که قضات سراسر کشور طبق قانون وضع می کنند، محترم است. در تمام دنیا قوه ی قضاییه اینگونه است. حادثه ای در همدان رخ داد و موضوع به محاکمه کشیده شد و در طی مراحل قانونی، قاضی حکمی صادر کرد. روال قانونی این است اگر شکمی در حکم باشد، محکوم علیه آن اعتراض می کند و می خواهد که تجدید نظر شود ... چه شده سر این حکم اینهمه جنجال می کنند و کار به دانشگاه کشیده شده و عده ای معدود، دانشجو یا موسوم به دانشجو، ضمن اعتراض به حکم، به سران نظام اهانت می کنند؟ حکم قاضی چه ربطی به دانشگاه دارد. از قوه ی قضاییه جدا درخواست می کنم که با کمال قدرت و شجاعت با همه ی مفاصد بیش از پیش مبارزه کند. با همه نوع مفاصد مبارزه کند. از هر کسی که می خواهد باشد، روحانی، بازاری، آقازاده و از هیچکس هم نترسد». مشکینی سپس خطاب به دانشجویان معترض گفت: «همه می دانند شما به ساز آمریکا می رقصید. پول دلار شما را مست کرده است. دانشجویان حقیقی البته منظور چماق داران انصار حزب الله { جواب شما را دادند و بهتر از این هم خواهند داد... حسین شریعتمداری، سر دبیر روزنامه کیهان، شکنجه گر و مسئول چماق داران مطبوعاتی رژیم، نیز در سرمقاله روز پنجشنبه این روزنامه خواستار سازمان دهی حرکتی همچون «انقلاب فرهنگی» سال ۵۹ در دانشگاه های کشور (که به بسته شدن دانشگاه ها انجامید)، برای مقابله با «ستون پنجم دشمن» شد.

محمد رضا خاتمی، دبیر کل جبهه مشارکت، در کنفرانس مطبوعاتی که روز یکشنبه در تهران برگزار شد، ضمن ارزیابی اوضاع کشور اشاره کرد که: «اقلیتی در حاکمیت به قدرت چسبیده اند و نظرات مردم را که برخلاف دیدگاههایشان است، نمی پسندند. حکم (آغاچری) در جای دیگری تنظیم شده بود و افراد بالاتری در قوه قضاییه در تنظیم حکم دخالت داشته اند» به گفته خاتمی: «برخی معتقدند که عبدی تاوان تئوری خروج از حاکمیت را می دهد و اینگونه برخورد با اصلاح طلبان به منظور ناامید کردن آنهاست و مساله نظرسنجی در این میان یک مساله فرعی و جانبی است. من قبول دارم که آنان

فشارهای خود را زیاد می کنند اما قصد خروج اصلاح طلبان را ندارند بلکه اصلاح طلبان را می خواهند که در اثر فشارها، بترسند و تسلیم همه ی نظرات و برنامه هایشان شوند. آنان اگر قدرت برخورد داشتند، قطعاً تاکنون برخوردهای قطعی و نهایی خود را کرده بودند ولی آنها مطمئن هستند که بدون حضور اصلاح طلبان در حکومت قدرت اداره ی حکومت را نخواهند داشت و این نظر را عبدی صریحاً در مصاحبه ای اعلام کرده بود. بنابراین یکی از برنامه های آنان، ایجاد فشار بر اصلاح طلبان و تقسیم آنها به دو دسته تندرو و رادیکال و یکدسته ی متعادل یا رام است که البته نتیجه ای برای آنها نخواهد داشت. حکم اعدام آغاچری و موضع گیریهای قاطعی که همه ی اصلاح طلبان - حتی کسانی که آنان معتدل می پنداشتند - ابراز کردند، نشانگر آن است که ایجاد جدایی بین اصلاح طلبان اندیشه ای واهی است و این اعمال نهایتاً به وحدت جبهه اصلاح طلب می انجامد. ما امیدواریم پیامان به گوش این افراد برسد که تنها راه نجات آنها تسلیم شدن به رای ملت است...»

ادامه مبارزات دانشجویان در کنار امکان گسترش این مبارزات به دیگر نیروهای اجتماعی و رادیکالیزه شدن بخش هایی از جنبش اصلاح طلبی در مقابل تشدید فشار تاریک اندیشان حاکم، در مجموع جامعه را در آستانه تحولات مهمی قرار داده است. موضع گیری های سران ارتجاع، خصوصاً خامنه ای، رفسنجانی و مشکینی به روشنی نشانگر برنامه رژیم استبداد برای آماده سازی اوضاع جهت سرکوب خشن، گسترده و خونین جنبش اصلاح طلبی در میهن ماست. بر اساس گزارش های گوناگون شکنجه گران رژیم زندان ها را برای پذیرایی از صدها تن از شخصیت های جبهه دوم خرداد، نیروهای ملی - مذهبی و دانشجویان مبارز آماده کرده اند و پرونده های از پیش ساخته و پرداخته شده «جاسوسی برای استکبار» آماده به جریان افتادن است.

ارتجاع زمانی که احساس کند می تواند با هزینه قابل تحمیلی جنبش مردمی را سرکوب نماید، تهاجم وسیع خود را آغاز خواهد کرد. هراس ارتجاع از ابعاد مقاومتی است که ممکن است این تهاجمات در پی داشته باشد. حکم آغاچری، آزمایشی برای سنجش افکار عمومی و عکس العمل نیروهای اجتماعی در این زمینه بود که هراس و نگرانی وسیع سران رژیم را به همراه داشت. تجربه روزهای اخیر نشان داده است که نیروهای اجتماعی در صورت سازمان یافتگی و دقت و هوشیاری در اتخاذ تاکتیک های دقیق و موثر مبارزاتی در کنار حمایت نیروهای سیاسی و همبستگی سایر نیروهای اجتماعی می توانند مبارزه موثر و پیرومندی را در مقابل دستگاه سرکوب رژیم استبداد به پیش ببرند. جنبش مردمی باید به سرعت بر ضعف ها و عدم سازمان یافتگی سیاسی و تشکیلاتی خود غلبه کند و با صدای واحد و برنامه مشترک به مصاف تهاجمات ارتجاع برود. موضع اکثریت نمایندگان مجلس در حمایت از حرکت های اعتراضی دانشجویان و خواست ادامه این اعتراضات از جمله نخستین نشانه های نضج گیری این نظر است که اصلاح طلبان حکومتی بدون حمایت و بسیج نیروهای مردمی نمی توانند به آینده سیاسی خود امیدوار باشند. این تغییر تاکتیک می تواند در صورت ادامه و پیگیری تأثیر خود را بر روند حوادث کشور برجای گذارد. حزب توده ایران ضمن هشدار باش درباره نقشه های شوم مرتجعان حاکم برای سرکوب خونین، خشن و وسیع جنبش مردمی همه نیروهای آزادی خواه، مترقی و معتقد به حقوق مردم را به اتحاد عمل و مبارزه مشترک بر ضد رژیم استبدادی حاکم بر میهن ما فرا می خواند. این مبارزه مشترک و سازمان یافته می تواند ارتجاع را به عقب نشینی وادار کند.

ادامه خط مشی نوین نظامی بوش . . .

اجلاس ناتو در پراگ و نظم نوین جهانی

اجلاس سران کشورهای عضو و نامزد عضویت در پیمان ناتو در روزهای ۲۱ و ۲۲ نوامبر در پراگ با توجه به تحولات جهانی و تصمیمات فراروی آن اهمیت سمبلیک و ویژه ای داشت. برگزاری اجلاس در پایتخت جمهوری چک، که در گذشته عضو پیمان دفاعی ورشو بود و در سال ۱۹۹۹ به همراه لهستان و مجارستان به کلوب تجاوزگران سرمایه داری پیوسته بود، و قبول عضویت ۷ کشور اروپای شرقی مرزهای ناتو را تا روسیه گسترش داد، عملاً آخرین نشانه های دوره جنگ سرد را محو نمود. بسیاری از تحلیل گران اهمیت سمبلیک تصمیم قبول عضویت چهار کشور اروپای شرقی یعنی اسلوانی، اسلواکی، بلغارستان و رومانی و سه کشور حاشیه دریای بالتیک (لتونی، لیتوانی و استونی) در اجلاس پراگ را به مثابه نقطه عطف جدیدی در موازنه نیروها در سطح جهان مورد تاکید قرار دادند.

رفیق زیوگانوف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در رابطه با توسعه مرزهای شرقی ناتو در نامه سرگشاده ای به پوتین نوشت: توسعه ناتو جدی ترین خطر نظامی را از زمان تجاوز ارتش نازی متوجه روسیه می کند. جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا، از بحث های اجلاس برای تاکید بر مواضع این کشور در رابطه با ضرورت ادامه جنگ بر ضد مخالفان سرمایه داری و همزونی ایالات متحده تحت لوای مبارزه با تروریسم و حامیان تروریسم و به راه آوردن رقبای خود در اتحادیه اروپا استفاده کرد. مقامات آمریکایی معتقدند، در حالیکه این کشور هر روز یک میلیارد دلار صرف هزینه های نظامی می کند، اروپا که بودجه نظامی تمامی کشورهای عضو ناتو آن روی هم روزانه فقط ۵۰۰ میلیون دلاری باشد، نباید خواست سهم تعیین کننده در تصمیم گیری نهایی داشته باشد. با توجه به ادامه تدارک برای اعلام جنگ بر ضد عراق توسط ایالات متحده و انگلستان، بخشی از بحث های اجلاس پراگ به برنامه ریزی جنگ آینده اختصاص داشت. قطعه نامه ویژه مصوبه اجلاس در این رابطه تاکید می کند: اعضای متحد ناتو مصمم هستند که به طور موثر در راستای کمک و حمایت از سازمان ملل برای وادار ساختن عراق به اجرای کامل و بی شرط قطعه نامه ۱۴۴۱ سازمان ملل عمل کنند. قطعه نامه به عراق یاد آور شد که در صورت نقض شرایط جدید برای بازرسان ویژه عواقب جدی متوجه آن خواهد بود. تصویب تشکیل یک ارتش ۲۱۰۰۰ نفره مرکب از ورزیده ترین واحد های نظامی ارتش های کشورهای عضو ناتو که قابلیت اقدام سریع در دورترین گوشه های جهان را خواهد داشت نیز از مصوبات این اجلاس بود. واسلاو هاول، رئیس جمهوری چک فرصت برگزاری اجلاس را که قرار اولیه آن بیش از دو سال پیش توسط مادلین آلبرایت بعنوان فرصتی برای تشکر از خدمات او به ناتو و آمریکا گذاشته شده بود، برای ثبت ویژگی های ضد مردمی خود مورد استفاده قرار داد.

جمهوری چک برای تضمین امنیت رهبران کشورهای امپریالیستی قبول کرد که هواییماهای جنگنده ناتو در طول مدت اجلاس کنترل مرز های هوایی کشور را به عهده داشته باشند. در حوالی مرکز کنترل که محل برگزاری اجلاس بود در تمامی مدت مقررات منع عبور و مرور برگزار بود و تمامی مدارس و موسسات تعطیل شدند. دولت چک اعلام کرد که مخارج این اجلاس فقط ۸۰۰ میلیون کرون می باشد ولی مطلعان سیاسی معتقدند با احتساب هزینه های پنهان این اجلاس برای پرداخت کنندگان مالیات در چک بیش از دو میلیارد کرون هزینه برداشته است. این برای دولتی که همین چندماه پیش خود را از تأمین هزینه خرابی های ناشی از سیل در کشور ناتوان اعلام کرده بود، کاملاً افشاگر بود.

دولت راستی حاکم در پراگ از تمامی حربه های قانونی و غیرقانونی و از جمله اخراج ژورنالیستهای ترقی خواه اروپایی و اعلام ممنوعیت ورود هیئت های نمایندگی احزاب چپ اروپایی به خاک این کشور، برای جلوگیری از سازماندهی تظاهرات اعتراض آمیز بر ضد ناتو و تدارک جنگ بر ضد عراق استفاده کرد. این تظاهرات اعتراضی به دعوت حزب کمونیست بوهم و موراوی که ۴۱ نماینده در پارلمان این کشور دارد و دارای پایگاه قوی ای در میان جوانان و طبقه کارگر چک می باشد، و در هماهنگی با دیگر احزاب کمونیست سازمان دهی شده بود. کمونیست های جهان بیش از پنج دهه بر ضد پیمان ناتو مبارزه کرده اند و به درستی وجود این نهاد را در تضاد با صلح جهان می دانند.

طلبانه جهانی دولت بوش موضع می گیرند، رو به افزایش است. جی بوکمن، دستیار سردبیر "آتلانتا کانستیتوشن" (قانون اساسی آتلانتا)، اخیراً در مقاله ای در این نشریه نوشت: "در واقع سیاست بوش متوجه پیاده کردن نقشه ای است که حاکمیت نظامی و اقتصادی آمریکا را در هر نقطه ای از جهان، فارغ از نگرانی و التزام به قوانین دست و پاگیر داخلی مستقر سازد. و برای به واقعیت درآوردن این نقشه، گسترش مشخص و وسیع حضور نظامی آمریکا در هر گوشه جهان مورد نظر است." در رابطه با همین موضوع، جی. جان ایکنبری در نشریه "فارن افرز" (مسائل خارجی) می نویسد: "استراتژی عظیم طلبانه و نارس آمریکا، از هم پاشی تار و پود جامعه بین المللی و همکاری های سیاسی را تهدید می کند. این برخورد مملو از خطر است و به احتمال زیاد با شکست روبه رو خواهد شد. این برخورد نه تنها از نظر سیاسی نادرست بلکه از نظر دیپلماتیک نیز زیان بخش است. و اگر تاریخ نشان گر راه است، در راستای خود ضدیت و مقاومتی را برخواهد انگیزد که آمریکا را در جهانی متخاصم تر و تقسیم شده قرار خواهد داد."

آیا هم اکنون این آشکار نیست؟ عجله برای حمله انهدام گرانه به عراق نه تنها با مقاومت مردم آمریکا بلکه مردم بسیاری از سرزمین های دور و نزدیک که نه تنها نسبت به سیاست دولت آمریکا در قبال عراق بلکه در رابطه با سمت کلی توطئه نظامی-استراتژیک بوش مشکوک هستند، روبرو شده است.

مردم به مرور درک می کنند که خطر جنگ به خودی خود از بین نمی رود. و رهبران جنبش مردم و کارگران متوجه می شوند که آنها دیگر نمی توانند نسبت به حمله به عراق و خط مشی جنگی نوین بوش سکوت اختیار کنند، بدون این که از زندگی و زندگانی اعضای خود مایه بگذارند. به این ترتیب روشن تر می شود که مبارزه بر ضد خطر رشد یابنده جنگ، واقعیت سیاسی موجود و تعیین کننده برای آینده در کشور ما خواهد بود. این مبارزه، سر نوشت مسایل و مبارزه های دیگر را رقم خواهد زد. معنای خطر جنگ در زمانی که تجاوز در خارج با افزایش نابرابری های نژادی و جنسی، بحران گسترش یابنده اقتصادی، و محدودیت های خشن حقوق دموکراتیک و سندیکیایی از جمله استفاده از قانون ضد سندیکیایی "تافت هارتلی" به منظور سرکوب اتحادیه کارگران بارانداز در منطقه غرب آمریکا همزمان می شود، به طور افزاینده ای خشم بیشماری از مردم را بر خواهد انگیزد. در این لحظه، و ظایف بهم مرتبط جلوگیری از حمله به عراق و خارج ساختن کنترل کنگره آمریکا از اختیار نیروهای ماوراء راست در خط مقدم جبهه مقاومت در برابر برنامه های بوش برای تسلط جهان است. در حقیقت هیچ امری، مطلقاً هیچ چیزی، بهتر از سد کردن جنگ و تغییر موازنه سیاسی در کنگره بر ضد نیرو های راست افراطی نمی تواند سیاست همه جانبه بوش برای جنگ افروزی را تضعیف کند و در نتیجه بهترین شرایط را برای مبارزه بر علیه بحران رشد یابنده اقتصادی و در طلب خواسته ها و نیاز های مردم بوجود آورد. . . . (این مقاومت ها) وقتی با مرحله جدیدی از فعالیت های صلح و اتحاد چند نژادی گسترش یابنده ترکیب شود می تواند به تشکیل جبهه ای وسیع از نیروها و قشرهای گوناگون اجتماعی و تحت رهبری کارگری بر ضد سیاست های ارتجاعی دولت بوش و حامیان ارتجاعی اش از شرکتهای انحصاری بیانجامد.

در جریان این مبارزه، تصور دیگری از نقش کشور ما در جامعه جهانی باید راه خود را در دیالوگ در سطح ملی پیدا کند. در این رابطه، نیروهای چپ و مترقی مسئولیت ویژه ای را به عهده خواهند داشت.

چنین دورنمایی شامل عدم کاربرد حربه زور در مناسبات بین المللی، نابودی سلاح های اتمی و دیگر سلاح های کشتار جمعی در سراسر پهنه گیتی، افزایش نقش سازمان ملل متحد و مجمع عمومی این سازمان، روابط برابر بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، مردود شمردن قراردادهای "موافقتنامه تجارت آزاد در آمریکای شمالی" (نفتا) و "تجارت آزاد در قاره آمریکا" و عهدنامه های تجارتی مشابه، احترام به حق حاکمیت کشورهای کوچک و بزرگ، حل عادلانه و فوری معضلات جهانی، با اولویت دادن به حل بحران اسرائیل و فلسطین، و آمادگی کشور ما بعنوان یک عضو برابر و یاری دهنده جامعه جهانی بدون داشتن حقوق ویژه و متماز است. البته چشم انداز کمونیست ها و سوسیالیست ها برای جهانی عادلانه و در صلح از ایده های سوسیالیستی ما سرچشمه می گیرد. نزدیک به یک صد سال پیش روزا لوگزامبورگ گفت راهی که در پیش روی بشریت قرار دارد "سوسیالیسم یا بربریت است". در آن زمان هنوز سلاح های کشتار جمعی وجود نداشت. اما اکنون وجود دارند. بنابراین اهمیت هشدار لوگزامبورگ ضرورت تازه ای پیدا می کند و مبارزه برای سوسیالیسم ضرورت جدیدی می طلبد. زمانی امکان زندگی بهتر برای بشریت بود که تصور سوسیالیستی را برانگیخت. و هنوز هم برمی انگیزد. اما در چنین لحظه خطرناکی که امروز در آن به سر می بریم چشم انداز سوسیالیستی مان بهترین تضمین امنیت بر ضد جنگ و نابودی کره شکننده ما است.

خط مشی نوین نظامی بوش تهدیدی برای بشریت

نوشته رفیق سام وب، صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا

در مهرماه جاری، دولت بوش سیاست نوین استراتژیک نظامی خود را تحت عنوان "استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا" که به مثابه چک سفیدی برای جنگی بی انتها و فاجعه بار است، اعلام کرد.

مشخصه های اصلی این خط مشی نوین کدامند؟

* شاید شوم ترین آن قبول اصل کاربرد سلاح های هسته ای بعنوان نخستین راهکار بجای آخرین وسیله است. در دکترین جدید کاربرد آنها در محدوده میدان های جنگی پیش بینی شده است. در سیستم فکری آشفته کابینه بوش "جنگ هسته ای محدود" دیگر یک اصطلاح متناقض نیست بلکه سیاستی برتر محسوب می شود. حملات پیش گیرانه، روش های مشروع و حتی مطلوبی بر ضد دولت هایی که به اصطلاح خطری برای آمریکا محسوب می شوند در نظر گرفته شده است.

ایالات متحده این حق را برای خود قایل می شود که آن کشورها و مردمی را که "دشمنان تمدن" تشخیص می دهد کنترل، تنبیه و با نیروی درهم شکننده نابود سازد.

جولوگیری از ظهور قدرت رقیب، خواه دوست یا دشمن، از ضروریات اساسی است.

دگرگونی ارتش آمریکا و افزایش بازهم بیش تر برتری بی سابقه نظامی در مقایسه با نزدیک ترین رقیبش برای تمامی طول قرن بیست و یکم از اولویت بالایی برخوردار است. این شامل توانایی درگیر شدن هم زمان در بیش از دو جبهه مختلف می باشد.

ترجیح موضع یک جانبه و به تنهایی اقدام کردن در مقابل موضع چندجانبه. باور دولت بوش آن است که تجمع ائتلافی از دولت های هم نظر غالباً برتری قدرت آمریکا را محدود یا کند می کند.

زیر پا گذاشتن قوانین جهانی، عهدنامه ها و تعهداتی که توانایی آمریکا را در عمل قاطعانه در هر جا و هر زمان محدود می کند.

اهمیت کمتری به دیپلماسی و ثبات در روابط بین المللی داده می شود. در حقیقت عدم ثبات به عنوان عاملی که می تواند در جهت به نمایش گذاشتن قدرت نظامی آمریکا در هر گوشه ای از جهان استفاده شود، در نظر است.

در نگاه اول ممکنست این طور به نظر آید که سیاست نوین بوش پاسخی به حمله های تروریستی ۱۱ سپتامبر است. اما با مطالعه دقیق تر تصویر دیگری نمایان می گردد. درحقیقت چشم اندازهای استراتژیک این سیاست در طرح سیاست های پیشین تظاهریافته بود. در دوره بین اوایل دهه ۱۹۹۰ و سال ۲۰۰۰ مدارکی در محافل بالای طبقه حاکم در کشور ما مورد بررسی قرار گرفت که شباهت های قابل توجهی با این سیاست نوین دارند.

اما این نسخه های نخستین هیچ گاه به سیاست دولتی مبدل نشدند. یکی از نسخه ها در اواخر زمامداری پرزیدنت بوش (پدر) به دست نیویورک تایمز رسید و با انتقاد شدیدی رویه رو شد، در حالی که نسخه های جدیدتر هرگز توجه کسی را به غیر از گروه کوچکی از نظریه پردازان دست راستی که بسیاری از آنها دست اندر کاران کنونی کابینه بوش هستند را جلب نکرد. اما حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ همه چیز را تغییر داد. این حملات دستاویزی شد برای قانونیت بخشیدن به سخن گفتن از بکارگیری استراتژیکی ستیزه جویانه تر، نظامی گرایانه تر و مآلایی نهایت خطرناک به منظور تغییر کیفی و دایمی توازن قدرت در جهان که در آن حاکمیت بلامنازح امپریالیسم آمریکا و شرکت های فراملی اش در دنیا برای آینده نزدیک و دور تامین شود. دولت های پیشین آمریکا بطور یقین در عرصه جهان بی آزار و معصوم نبودند. انداختن بمب اتمی روی هیروشیما و ناکازاکی در سال ۱۹۴۵ و بمباران بی وقفه

یوگسلاوی در سال ۹۰، نمونه هایی از دخالت های آشکار و غیر آشکار در پنج دهه در امور دولت ها و مردم هستند.

اما تنها دیدن شباهت ها میان سیاست دولت کنونی و دولت های پیشین، متوجه نشدن اصل این مطلب است که دکترین نوین دولت بوش به گسستی کیفی از سیاست خارجی آمریکا از زمان جنگ سرد رسمیت می دهد.

یا به عبارت دیگر، سیاست نوین نه یک جابجایی ساده بلکه یک تحول عمده در خط مشی است که خطر تجاوز، نظامی گری و جنگ را به سطح کاملاً جدیدی ارتقاء می دهد. با اتخاذ هدف "تغییر رژیم"، که چندان بی طرفانه نیست، جان و زندگی میلیون ها انسان را به خطر می اندازد. خطر تروریسم را بطور ناگزیر در کشورمان و دیگر کشورها تشدید خواهد کرد. و در دوره ای که تولید سلاح های کشتار جمعی افزایش می یابد امکان پایان جهان را واقعی ترمی سازد.

و همچنین حمله نیروهای دست راستی علیه طبقه کارگر، مردم تحت ستم های نژادی و قومی، زنان و دیگر نیروهای اجتماعی در کشورمان را بی اندازه تسهیل می کند. اگر ۱۱ سپتامبر تنها یک دستاویز بود پس چه تغییری در شرایط عینی جهان بوش و کاخ سفیدرا متقاعد ساخت که چنین سیاست خطرناک و تبهکارانه ای را در پیش گیرد؟ بدون این که بخواهیم به همه عوامل اشاره کنیم، سه تحول به نظر می رسد مهم بوده اند: نخست فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در یک دهه پیش از این منجر به از بین رفتن یک دولت رقیب که توانایی مقابله و جلوگیری از اعمال تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا را داشت، شد. تصادفی نیست که فکر اولیه پیرامون این سیاست استراتژیک نظامی نوین با فروپاشی سوسیالیسم شوروی هم زمان گردید.

دوم قدرت نظامی اجتناب ناپذیر امپریالیسم آمریکا در مقایسه با دوستان و دشمنانش، که در تاریخ بی سابقه است، تفوق عظیمی را برای شکل و دوباره شکل دادن جهان در جهت منافع شرکت های فراملی آمریکا به این کشور اعطاء کرده است. بنابر گفته پژوهشگران مسایلی بین المللی تا کنون هیچ دولتی دارای چنین برتری بی نبوده است.

و آخر این که مرحله جدید جهانی شدن سرمایه داری، کند شدن آهنگ رشد اقتصاد جهانی و همراه آن تشدید رقابت بین قطب های سرمایه داری در بازارهای اشباع شده جهان، طبقه حاکم آمریکا و به ویژه ارتجاعی ترین جناح آن را واداشته که به سیاست تجاوزگرانه شدیدتری روی آورد. در یک کلام، آمریکا قصد دارد که از برتری نظامی و سیاسی اش برای به دست آوردن مواضع قدرتمندتر گسترده تری در عرصه اقتصاد استفاده نماید. اما اگرچه این تغییرات در صحنه جهانی مهم هستند به تنهایی نمی توانند به چگونگی مسلط شدن این سیاست نوین پاسخ دهند. تعیین کننده ترین عامل، چیرگی دست راست ترین بخش های سرمایه فراملی و نمایندگان آن در زندگی سیاسی آمریکا بوده است. اگر راست افراطی در طول دهه گذشته اهرم های اساسی قدرت را که منجر به ربودن انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ شد، بدست نیاورده بود، دولت آمریکا قادر نبود چنین سیاست های خارجی ماجراجویانه و خطرناکی را در پیش بگیرد.

به دیگر سخن، این تغییر سیاست به همان اندازه، اگر نه بیشتر، محصول مبارزه سیاسی بین طبقات و میان نیروهای اجتماعی در کشور ما است که پیامد جهانی شدن امپریالیستی سرمایه و تغییر توازن نیروها در نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه گذشته است. بلافاصله پس از رویداد ۱۱ سپتامبر تعداد آنهایی که به مقابله با این سیاست برخاستند اندک بود. اما تفاوت را اکنون می توان پس از گذشت یک سال دید. امروز صدای مصمم مخالفان از نمایندگان برجسته مجلس تا ناظران سیاسی و تعداد رویه رشد مردم عادی آمریکا که در مقابل سیاست های جاه

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

۱۰۰ دلار

۸۵ پوند

به یاد م. آ.

رفیقی از لندن

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 648
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

26th November 2002

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک